

مجله علمی تحقیقی بین المللی علوم اسلامی
مجله دراسات اسلامية، عالمية، علمية، محكمة
Uluslararası İslami Araştırmalar Dergisi
International Journal of Islamic Studies

دیوان

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۳ شماره: ۰۲ سال: ۱۴۰۱
Volume: 3 Issue: 2 Year: 2022

مسئله آیات/سوره‌های مورد بحث در روایات مربوط به نسخ*

إشكالية نسخ الآيات/السور في الروايات

Nesh İle İlgili Rivayetlerde Söz Konusu Edilen Ayetler/Sureler Meselesi

The Issue Of The Verses/Suras Mentioned in The Rumors About The Nesh

Doi: <http://dx.doi.org/10.48117/Diwan.2022.23>

میکائیل آکبوغا*

مترجم: سید لقمان سادات*

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

میکائیل آکبوغا، "مسئله آیات/سوره‌های مورد بحث در روایات مربوط به نسخ"، مترجم: سید لقمان سادات، مجله دیوان ۲/۳ (سرطان ۱۴۰۱)، ۶۷-۹۶.

Atif

Mikail Akboğa, "Nesh İle İlgili Rivayetlerde Söz Konusu Edilen Ayetler/Sureler Meselesi", Mütercim. Seyyid Lokman Sadat, *Diwan Dergisi* 3/2 (Temmuz 2022), 67-96.

* این مقاله در مجله علوم اجتماعی دانشگاه پیتلیس ایرن در جلد ۱۰ شماره ۱ سال ۲۰۲۱ به چاپ رسیده است.

* محصل دکترای بخش تفسیر دانشگاه انقره.

ORCID ID: 0000-0001-5763-0458

ORCID ID: 0000-0001-7955-2323 *

Özet:

Kur'ân-ı Kerîm'in Yüce Allah tarafından indirildiğine ve O'nun tarafından muhafaza edildiğine ilişkin beyanlar hem sübutu hem de delaleti açısından katidir ["Hiç şüphesiz, Zikri (Kur'ân-ı Kerim'i) Biz indirdik, Biz; ve (elbette kıyamete kadar) Onun (bu kutsal metnin değiştirilmekten ve dejeneredilmekten koruyup aynen) muhafaza edicileri de Biziz." Hicr 9]. Yani Yüce Kur'ân onu gönderen Allah tarafından korunmaktadır. Bu konuda ulema arasında herhangi bir ihtilaf olmamakla beraber Hadis Kaynaklarında, Ulûmu'l-Kur'ân ve Tefsirlerde yer alan birçok rivayette bazı surelerin daha önce uzun iken kısaltıldıkları, kimi ayetlerin ise tamamen unutuldukları kaydedilmektedir. Bu tür rivayetlerin benzerleri farklı kaynaklarda geçtiğinde tenkide tabi tutulurken "bizim" diye kabul edilen eserlerde yer alınca makul ve mutedil kıstaslarla süzgeçten geçirilmedikleri müşahede edilmektedir. Bu araştırmada bu tür rivayetlerin, nerede geçtiğinden sarfi nazar edilerek, mutlak manada kritiği yapılmaktadır. Bu rivayetlerin nerelerde yer aldıkları, hangi konularda yoğunlaştıkları, Kur'ân'ın korunmuş olduğu gerçeği ile birlikte ele alınarak aralarında ne tür çelişkiler, uyumsuzluklar olduğu nazara verilmektedir.

Anahtar Kelimeler:

Tefsir, Kur'ân, Nesh, Haber-i Vâhit.

Abstract:

The statements that the Qur'an was sent down by Almighty Allah and that it is preserved by Him are definite both in terms of its proof and indication ["Undoubtedly, We sent the Zikr (the Qur'an) down, We; and (of course until the Day of Judgment), we are its guardians (preserving this holy text from being changed and degenerated)." Hijr 9]. In other words, the Almighty Qur'an is protected by Allah, who sent it. Although there is no disagreement among the scholars on this issue, it is recorded in many narrations in the Hadith Sources, Ulumu'l-Qur'an and Tafsir that some suras were shortened while they were long before, and some verses were completely forgotten. While similar narrations are subject to criticism when they are mentioned in different sources, it is observed that they are not filtered with reasonable and moderate criteria when they appear in works accepted as "ours". In this research, such narrations are criticised in an absolute sense, by ignoring where they take place. These narrations are taken into consideration by dealing together with the fact that the Qur'an has been preserved, where they take place, on which subjects they concentrate, what kind of contradictions and inconsistencies exist between them.

Keywords:

al-Tafseer, The Qur'an, Cancellation, al-Haber al-Wahid.

چکیده:

اظهاراتی مربوط به اینکه قرآن کریم از جانب الله متعال نازل شده و از جانب خودش تحت محافظت قرار دارد، هم از جهت ثبوت و هم از جهت دلالت آن، قطعی است. ”و بی تردید، ما خود، این قرآن را که یاد خداست فرو فرستاده ایم و قطعاً ما خود، آن را از این که به فراموشی سپرده شود و نیز از هرگونه تحریف، مصون می داریم“ (حجر، ۹). به عبارت دیگر، قرآن مجید از جانب خداوندی که آن را فرستاده است، تحت محافظت قرار دارد. در کنار اینکه در این موضوع بین علما هیچ اختلافی وجود ندارد، ولی در روایات بسیاری در منابع حدیث، علوم القرآن و تفاسیر، تذکر یافته که برخی از سوره های که قبلاً طویل بوده کوتاه و برخی از آیات به کلی فراموش شده است. مشاهده می شود که وقتی چنین روایات مشابه در منابع متفاوت ذکر گردد، مورد نقد قرار می گیرد، اما وقتی در آثاری که به عنوان «خودمانی» پذیرفته شده، جا بگیرد، با معیارهای معقول و معتدل فیلتر نمی شود. در این تحقیق، اینگونه روایت ها با صرف نظر از اینکه در کجا تذکر یافته، به معنای مطلق نقد شده است. این روایات با صرف نظر از اینکه از کجا آمده، روی چه موضوعاتی متمرکز بوده، با در نظر داشت این حقیقت که قرآن کریم محافظت شده است، روی دست گرفته شده و چه تناقض و ناهماهنگی هایی بین آنها وجود دارد، مورد توجه قرار می گیرد.

واژه های کلیدی:

تفسیر، قرآن، نسخ،
خبر واحد

الملخص:

إن القرآن الكريم منزل من عند الله سبحانه وتعالى وأنه تعالى يحفظه، وفي ذلك أدلة كثيرة؛ منها قوله سبحانه وتعالى: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (الحجر، ۹). فقد تكفل الله عز وجل بحفظ القرآن الكريم، ولا خلاف في ذلك بين أهل العلم. ولكن في كثير من الروايات في مصادر الحديث وعلوم القرآن والتفاسير؛ قد ورد أن بعض السور التي كانت طويلة صارت قصيرة، وكما أن بعض الآيات تم نسيانها تماماً. وهذه الروايات المتشابهة تتعرض للنقد لورودها في مصادر مختلفة، إلا إذا تم قبولها من ضمن الآثار المألوفة؛ فلا تتم تصنيفها وفق معايير متداولة معتدلة. وفي هذا البحث تم نقد هذه الروايات بغض النظر عن مكان ذكرها، و نظراً إلى أن القرآن الكريم محفوظ من التحريف والتبديل؛ تناول البحث هذه الروايات بغض النظر عن تعدد مصادرها، ودون تتبع عن أغراضها، فيما بينها من تناقض وعدم الاتساق.

الكلمات المفتاحية:

التفسير، القرآن
الكريم، النسخ، خبر
الواحد.

احکامی که در قرآن کریم بیان شده محدودیت زمانی ندارد و تا روز قیامت معتبر است و همچنین در بسیاری از جاها از جانب آن تذکر یافته است.^۱ بر این اساس دین حق نزد خداوند اسلام است. (آل عمران، ۱۹) به همین دلیل به صراحت بیان شده که تمام تلاش کسی که به دنبال دینی غیر از اسلام باشد، بیهوده خواهد بود. (آل عمران، ۸۵؛ مایده ۳) اسلام که آن را خداوند از طریق نبوت به مردم ابلاغ کرده، در آن نظام اعتقادی (توحید، آخرت، عدالت)، نظام اخلاقی و ارزشی (صداقت، وفا، صبر، گذشت) و نظام عبادت (نماز، روزه، حج) است از نظر محتوا به شکلی که یکپارچگی را ایجاد می کند تا حد زیادی با هم سازگاری دارد. با توجه به تحولات تاریخی بشر، می توان تغییراتی را در بعد عملی احکام الهی متناسب با شرایط معقول دانست. با توجه به تحولات تاریخی بشر، می توان تصور کرد که برخی تغییرات در بعد عملی احکام الهی، با در نظر گرفتن شرایطی که مردم در آن قرار دارند، هم معقول و هم از ضروریات تغییر شرایط است. هم طبیعی و هم معقول است که عملی که برای مدتی دستور داده شده است، به دلیل تغییر اوضاع و احوال، نسخ یا حکم دیگری جایگزین آن شود، یا بر حسب سیر وقایع و شرایط، به تعویق بیفتد یا فراموش گردانده شود. چنین تغییراتی را نمی توان به طور مداوم مورد انتقاد قرار داد.^۲ در واقع، در طول تاریخ در دایره دین مبین اسلام، تنها در برخی از احکام عملی، تفاوت مشاهده شده است. علمای اسلامی نیز متفق القول بوده اند که برخی از شریعت که بعدها هویت اصلی خود را تغییر دادند و نام یهودیت یا مسیحیت را به خود گرفتند، به طور کامل توسط اسلام نسخ شدند. در کتاب مقدسی که امروز داریم، برخی غذاها، قوانین خانواده و غیره وجود دارد. همچنین قابل درک است که مقرراتی متفاوت از مقررات قبلی در مورد این موضوعات وجود دارد و این مقررات به مرور زمان لغو شده است.^۳

موضوع نسخ یکی از مسائلی است که موجب اختلافات عمیق علما بوده است. در قرون اولیه برای اولین بار مطرح شد، تقیید، تبیین، تخصیص و حتی استثنا در محدوده نسخ تلقی می شده. راه و روش، رویکرد، تصنیف و ادعاهای اکثریت قاطع را که در این مورد دنبال می کردند، برای اولین بار ابو مسلم الاصفهانی (متوفی ۳۲۲/۹۳۴) مجدداً روی دست گرفته است. وی با پذیرش تعریف ثابت نسخ زمان خودش به عنوان ملاک، به این نتیجه رسید که در قرآن هیچ عبارات متضاد، متعارض، متناقضی از جمله ابطال حکم، تخفیف امر و رفع نسبی مسئولیتها وجود ندارد. از نظر وی در قرآن کریم تنها مفاهیمی مانند استثناء، تخصیص، تقیید، تبیین و تدریج مورد بحث شده می

^۱ در مورد این موضوع نگاه کنید: اعراف ۱۵۸؛ انبیاء ۱۰۷؛ فرقان ۱؛ سبأ ۲۸؛ تکویر ۲۷.

^۲ Okumuş, 175-176, 180.

^۳ علاوتاً نگاه کنید: انعام ۱۴۶. همچنان نگاه کنید: Tekvîn, 9/2-4, 11; Tesniye, 14/3-8, 24/1-3; 27/22; Levililer, 11, 18/9, 20/17; Matta, 5/31-32.

تواند. به عبارت دیگر، از آنجایی که قرآن کریم دارای اقوال و احکام متضاد و متناقض نیست، نسخ نیز قابل بحث شده نمی‌تواند.

اختلاف علما در مورد نسخ گاهی جزئی و گاهی کلی است. نمونه اول، اعتراض دهلوی (متوفی ۱۱۷۶/۱۷۶۲) به نسخ آیه ۱۸۴ بقره توسط آیه ۱۸۵ است. از نظر وی، این آیه اول در مورد صدقه فطر است، بنابراین هیچ مغایرتی با آیه ۱۸۵ که احکام روزه را تنظیم می‌کند، وجود ندارد. نشان داده شده که دلیل اصلی سعی وی، با کنار زدن روایات مربوطه و نظر علما، برای محکم دانستن آیه‌ی که از جانب اکثر علما منسوخ پذیرفته شده است، تا حد امکان از آیات نسخ شده بکاهد.^۴ همانطور که معلوم است در مورد وضعیت این آیه چهار نظر وجود دارد. طبق سه از آنها، آیه منسوخ بوده و از نظر یکی آن آیه محکم است.^۵ در اینجا تصور می‌شود که دیدگاه سایر علما از دیدگاه دهلوی بیشتر منسجم‌تر است.

رویکردی که خلاف آن را تداعی می‌کند در مورد آیه پنجم سوره توبه مطرح شده است. برخی از مفسران بیان کرده‌اند که با آیه پنجم سوره توبه ۱۲۴ آیه از قرآن نسخ شده است. علاوه بر این، به عقیده بسیاری از علما، با این آیه تمامی صلح‌های بین مسلمانان و غیرمسلمانان لغو شده و مشرکان یا ایمان می‌آورند یا کشته می‌شوند. وقتی این نظر را، هم از نظر سیاق و سباق آیه و هم با توجه به تمامیت معنایی قرآن مورد توجه قرار دهیم، صحیح به نظر نمی‌رسد. به عبارت دیگر، اکثریت علما در اینجا به اشتباه رفته‌اند و تعداد کمی از علما در دوره‌های اولیه به وخامت این دیدگاه پی برده‌اند.^۶ در نتیجه، به نظر می‌رسد که در حالیکه تعداد کمی از علما با این نظر موافق بوده‌اند و اکثریت آنها اشتباه کرده‌اند.

دوم، یعنی اختلاف در تعریف کلی نماد رویکردهای مختلفی است که با نظریه نسخ از ابتدا تا انتها به گونه‌ای دیگر برخورد می‌کند و به یک معنا آن را بر هم می‌زند. این اختلاف کلی مشاهده شده، بین طرفی است که اکثریت بزرگ را نمایندگی می‌کند و سیر آنان در بزرگ راه پذیرفته شده است و طرفی که به رویکرد و روش آنها نگرشی مخالف از خود نشان می‌دهد. بارزترین نمونه آن روایتی است که بر اساس آن، عبید بن عمیر اللیثی از تابعین (متوفای ۶۹۳/۷۴) نسخ را پذیرفته است. نوبختی (متوفای ۳۱۰/۹۲۲)، ابومسلم (متوفای ۳۲۲/۹۳۴) و صفدی (متوفای ۱۲۹۶/۶۹۶) نیز با وجود اکثریت قاطع این نظر را با شجاعت بیان کرده‌اند. از نظر این‌ها، هیچ آیه‌ای در قرآن نیست که حکم آن ملغوا یا باطل شده باشد. همه آیات قرآن محکم و معتبر است. همه احکام آنها باقی هستند. از نظر آن‌ها به معانی همچون نسخ، تخصیص، تدریج، تقیید، تبیین و استثناء باید نسبت داده شود. هرگز نباید به

^۴ Gördük: 26

^۵ ابن ابوحاتم، ۱: ۳۰۸-۳۰۷؛ Gördük, 41.

^۶ (Kurban: 164, 197-203).

معنای لغو حکم، تلقی شده. این رویکرد از جانب بعضی از مفسرین مانند شهرستانی، محمد عبده، سر سید احمد، محمد الخضری، محمد توفیق صدیقی، اسلم جایرپونی، احمد حسن، عمر رضا دوغرول، محمد حمیدالله، سلیمان آتش، اسماعیل محمد جراح اوغلو و سعید شیمشک، مورد پذیرش و حمایت قرار گرفته است. در این مورد، ابن کثیر (متوفای ۷۷۴/۱۳۷۳)، شوکانی (متوفای ۱۲۵۰/۱۸۳۴) و ابن عاشور (متوفای ۱۸۷۹-۱۹۷۳) اظهار داشته اند که نسخ هم از نظر عقل و هم از نظر نقل واقع شده است و بین مسلمانان در این مورد اختلافی وجود ندارد. این مسئله، به جز ابومسلم الاصفهانی، فهمیده می شود که باید با احتیاط به آنها نزدیک شد.^۷

از نظر این گروه اگر وجود نسخ در قرآن پذیرفته شود، وجود آیات دارای متعارض و متضاد پذیرفته شده تلقی خواهد شد. از اینکه خداوند متعال در قرآن کریم در آیه ۸۲ سوره نساء ادعای تناقض در قرآن را رد کرده است، وجود آیات ناسخ و منسوخ در قرآن قابل بحث نیست. در حالیکه آن ها ناسخ و منسوخ را به عنوان تناقض می دانند، ولی بالخصوص جصاص، ماتریدی و سرخسی، نسخ را تناقض نمی دانند. این که سایر علمای اصول، هنگام پرداختن به موضوع نسخ، آیه ۸۲ نساء را مورد توجه قرار ندادند می توان چنین توضیح داد که از نظر آن ها این آیه مشکلی با پدیده نسخ ندارد.^۸

در مقابل این، رویکرد جمهور وجود دارد که از سابق سرخخانه مورد حمایت و دفاع قرار گرفته است. از نظر اینها، نسخ از قدیم الایام تا به امروز وجود داشته تغییراتی در احکام ایجاد شده و این امر از نظر شرایط زندگی انسان ضروری است. بر اساس این رویکرد، دلایل اصلی نسخ عبارتند از: تغییر وضعیت اجتماعی، تغییر وضعیت سیاسی، تغییر شرایط اقتصادی، رفتن به برخی تخفیف/تشدید مسئولیت های شرعی، جهت رفع تبعیض برای تحقق عدالت و به جای آن تحقق برابری و جلوگیری از سوء استفاده. در اینجا، نسخ به معنای تغییر طبیعی است که در نتیجه این دلایل و به روزرسانی اجتناب ناپذیر برخی از اعمال ناشی از یک وضعیت ضروری بوجود آمده است.^۹ از سوی دیگر، دلایل ارائه شده به عنوان سند بر این رویکرد که ادعا دارد نسخ در قرآن وجود ندارد، قوی، سازگار و کافی نیست. در این رویکرد، ادعا می شود که بر معانی برخی از آیات محدودیت ها وضع شده است. « کسانی که نسخ را در قرآن نمی پذیرند توجیه های آن ها برای حمایت از نظرات خود در حدی نیست که ادله طرف مقابل را لغو کند. عدم وجود روایت صحیح از حضرت محمد (ﷺ) را نمی توان دلیل کافی در این زمینه دانست.^{۱۰}

^۷ مقایسه کنید. حسن: ۳/۱۰۵-۱۰۹؛ ۴/۱۰۲-۱۰۷؛ ۶۵؛ Tay: 884, 904; Büyüük:

^۸ Büyüük: 905

^۹ Bingöl: 565, 568-578. Krş. Büyüük: 883-884

^{۱۰} Koçyiğit: 107-108; Altundağ: 440-441

الحارث المحاسبی (متوفای ۲۴۳/۸۵۷) در اثر خود موضوع نسخ را به تفصیل با جهات مختلف بررسی کرده است. اما این نکته قابل توجه است که وی به موضوع منکران وجود نسخ در قرآن اشاره نکرده است. این که وی هیچ نظریه‌ی را که نسخ را به طور کلی قبول نداشته باشد وارد نکرده، این دیدگاه را به وجود می‌آورد که تا نیمه اول قرن سوم که این اثر در آندتالیف شد، هیچ جریان فکری منکر نسخ وجود نداشته است،^{۱۱} چنین نظری هم از نظر استدلال و هم از نظر استنباط مشکل ساز به نظر می‌رسد. زیرا اکنون نپذیرفتن عبید بن عمیر الیشی نسخ را معلوم است (متوفای ۷۴/۶۹۳). اینکه محاسبی به اینها اشاره نکرده، در زمانی که ارتباطات به اندازه امروز توسعه نیافته بود و شامله وجود نداشت، امری طبیعی است و کمبود بزرگی به حساب نمی‌آید.

رویکرد متفاوت دیگر به طور خلاصه به شرح زیر است: «نسخ؛ وقتی دین الهی در نتیجه دخالت های بشر از بین برود و به نظام انسانی تبدیل شود، با دخالت الهی دوباره به نظام الهی تبدیل می‌شود».^{۱۲} این فرضیه در ذهن وجود دارد که انسان ها در هر دوره ای پیشرفت کرده اند یا به عبارتی تکامل یافته اند این نکته را نباید نادیده گرفت که با قانون «تغییرناپذیری سنت الله» در مورد مخلوقات وی، منافات دارد. بنابراین، در ذهن - تفاوت ذهنی که در بین مردم در هر عصری دیده می‌شود، بحث دیگری است - و هرگز نباید بحث تکامل در انسان مطرح شود. انسان، حضرت آدم اولین انسان، همان چیزی است که امروز هست و هیچ تکاملی در ذهن و بدن او رخ نداده است. انسان، امروز همان موجودی است که در زمان حضرت آدم بوده. همانطور که با تکامل یافتن هیچ موجود فوق بشری دیگری وجود ندارد و به موجودی پایین تر از انسان نیز تبدیل نشده است. این قانون جاری برای انسانها و همچنین برای همه موجودات در ملک خداست، این سنت خداست^{۱۳} این سنت خداوند است که از پیش جاری بوده است و هرگز برای سنت‌های خداوند، تغییری و تبدیلی نخواهی یافت. (احزاب، ۶۲؛ فاطر، ۴۳؛ فتح، ۲۳).

به عبارت دیگر انسان تا روز قیامت انسان، میمون ها میمون و خزنده خزنده می ماند و بحث تغییر ماهیت، وجود ندارد. بنابراین، رویکردی که می‌گوید: «شریعت الله منطبق با سیر تکاملی انسانها، به‌ویژه تکامل ذهنی آنها، تکامل می‌یابد، و مثلاً معجزات در دست انبیا مطابق با این تکامل انسانها ایجاد شده است، نمی‌تواند قابل قبول باشد. اگر در انسانی که مخاطب شریعت الله است در عقل و تعقل وی (در استعمال عقل، استفاده عقل) هیچ تغییری ایجاد نشده باشد پس چرا در شریعتی که برای آن ها آمده و برای اجرای آنها نازل شده است تغییری به وجود بیاید؟ در منطق تغییر یک تکامل یا یک تحول مورد بحث است در صورتی که این دو وجود نداشته باشد در غیر آن نمی‌توان در مورد شریعتی که برای انسان ها فرستاده شده است نیز از تکامل و تحول صحبت کرد»^{۱۴}

¹¹ Tay: 65

¹² Çetiner: 386

¹³ Çetiner: 387

در اسلام، دینی که خداوند متعال برای انسان ها فرستاده است، نیازی به نسخ به معنای «ازالت، حذف، لغو، تغییر» نیست. شاید بتوان نسخ به معنای «نقل کردن» را ذکر کرد که کلام حاوی قانون خدا از عالم الوهیت به عالم بشریت فرستاده می شود، از طرف خداوند به مردم فرستاده شده، وقتی زمانش رسید از زبان پیامبران به مردم ابلاغ می شود، انتقال از لوح المحفوظ به کتاب های عالم انسان ها است. یا ممکن است نسخ در اسلام مطرح باشد، اما می توان گفت که در اسلام «نسخ» نظام های انسانی که سعی شده به مرور زمان جایگزین نظام الهی شود «منسوخ» گردیده است.^{۱۴} خداوند متعال پیامبری را مبعوث کرد تا دین حق را در بین مردم ابلاغ و منتشر کند تا دین واقعی نیاکانشان را به آنها یادآوری کند و نظام های انسانی آنها را به نظام الهی بازگرداند، به عنوان منجی از جانب خود، به عنوان منجی، در جهت نجات بشریت از گرفتاری هایش که از روح خود دمیده و او را بر همه مخلوقات برتر و ارجمند قرار داده و به عبارت دیگر «دین او» «تجدید» می شود. نام این تمدید لغو است. خداوند تبارک و تعالی دینی را که فاسد و تحریف شده و تقریباً به انسان تبدیل شده است نسخ کرده و دین حق را که از هر جهت بهتر از آن است جایگزین کرده است.^{۱۵}

در بسیاری از کتب اصول و تفسیر، روایات مربوط به تعیین و مضمون برخی از سوره ها یا آیات قرآن با عنوان «نسخ» روی دست گرفته شده است. از سوی دیگر نسخ به معنای لغو حکم شرعی با دلیل شرعی (حکم) متأخر است.^{۱۶} وقتی صحبت از شرع می شود، معلوم است که نسخ کننده باید خود شارع باشد. در دین مبین اسلام که منسوبین آن بدون تغییر در طول تاریخ از زمان حضرت ابراهیم (ع) از جانب خداوند متعال به عنوان «مسلمانان» تعریف شده اند، شارع مطلق خداوند متعال است؛ سخنان و احکام تغییر ناپذیر او امروز در قرآن جا گرفته است. از نظر علمای مسلمان، شارع مقام درجه دوم و در محدودیه اولی نیز قرار دارد به شکل موضعی برای حضرت محمد (ﷺ) شناخته شده است. گفتار، کردار، اظهارات و حکم های که وی صادر نموده تا به امروز به صورت مجموعه ای در کتب حدیث/سنت و نیز در آثار سیرت النبی مورد توجه قرار گرفته است. تعیین چنین وضعیتی و تصویر سنت به هیچ پیامبر دیگری نصیب نشده است.^{۱۷}

در حالی که روند وحی همچنان ادامه داشت، نسخ از نگاه مثبت در چند فقره (مثلاً ۵-۶) حکم قرآن چندان عجیب نیست و حتی می توان آن را از ضروریات توسعه طبیعی دانست. علاوه بر توضیحات عقلی در این راستا، در قرآن سه آیه مختلف به عنوان دلیل آمده است.^{۱۸} علاوه بر این، ارجاع آیات مورد بحث به شرع گذشته و

^{۱۴} Çetiner: 391-392

^{۱۵} Çetiner: 392-393

^{۱۶} Demirci, 217-220

^{۱۷} مقایسه کنید. Özdeş: 39-40.

^{۱۸} این آیات نظر به به ترتیب نزول چنین است: نحل ۱۰۱؛ رعد ۳۹؛ بقره ۱۰۶.

ارائه توضیحاتی مانند پایان دادن به برخی اعمال در آنها، رویکردی است که ریشه در سنت باستانی دارد. کسانی نیز وجود دارند نسخ و تمامی نوشته های اشاره کننده به آن معنا را با اصلاحات و شرایط سازندگی جامعه مرتبط می دانند و تغییرات احکام مورد بحث را با تدریج توضیح می دهند.^{۱۹} از آنجایی که جزئیات این موضوع از حدود برنامه ریزی شده قالب مقاله، فراتر می رود، ناگزیریم آنها را به آثار مربوطه ارجاع نماییم.^{۲۰}

وقتی ادله از حیث ثبوت و قطعیت ملاحظه شود، تصور می شود که احکام خداوند برخی از اجرائات حضرت محمد را می تواند نسخ کند. اگرچه شافعی به این امر اعتراض دارد، اما این دیدگاه عموماً پذیرفته شده است.^{۲۱} طبق منابع دوره نخست، اجرائاتی که احکامش منسوخ شده، عملاً به سه قسم تقسیم می شود:

۱. آیاتی که تطبیق احکام آن ها لغو شده و متن شان باقی است. روایات و نظرات بسیاری از سلف نقل شده که در قرآن چنین احکامی وجود دارد. می توان تشخیص داد که تعداد آنها از نظر استقراء صدها (مثلاً: آیه ۲۴۰، ۲۵۰، ۵۴۰) است. با این تفاوت، سلف عموماً تخصیص، تقييد، مبهم بیان، مجمل تفصیل، تدریج و حتی استثنا را از جمله نسخ شمرده است.^{۲۲} وقتی اینها در پراکنش قرار می گیرند، به تشخیص سیوطی ۲۱/۲۰، بر اساس تدقیق دهلوی ۵ و بر اساس تحقیق مصطفی زید به تعداد ۵-۶ است.^{۲۳} به عبارت دیگر، دلیل اصلی اختلاف و انکار از مختلط مفاهیم ناشی می شود.^{۲۴} وقتی مفاهیم، اصطلاحات و تعاریف به موقع بررسی شوند، مشخص می شود که وضعیت آنقدرها هم وخیم نیست.^{۲۵} اینها از زمان محمد بن ادریس الشافعی و محمد بن جریر الطبری مورد مطالعه قرار گرفته است و سعی شده است به تعریف جامع تر، منسجم و پذیرفته شده تری دست یافته شود.^{۲۶} اما رویکردهایی نیز وجود دارد که نسخ را در قرآن به معنای مطلق رد می کند.^{۲۷}

۲. آیاتی که متنش نسخ شده ولی حکمش باقی است. در این نوع نسخ، اگرچه متن به نحوی حفظ شده است، اما در مصحف وارد نشده است. دلایل زیادی برای این موضوع می توان ذکر کرد، اما ما فقط چند مثال را مستقیماً بدون پرداختن به جزئیات در اینجا بیان می کنیم. ملاحظه می شود که برای این قسمت از نسخ در منابع

¹⁹ Çiçek, 2020: 136

²⁰ موضوع نسخ ساحه‌ی است که در مورد آن مانند اعجاز القرآن کتاب، مقالات و پایان نامه ها نوشته شده که تعداد آن به ده ها و حتی صدها می رسد. بخاطر یک نوشته جامع و مختص نگاه کنید: Abdulhamit Birışık, TDV İA, "Nesh" 4/5: *Literatür*, İstanbul 2006, 32/584-586.

²¹ (الشافعی، ۱۳۵۸/۱۹۴۰: ۱۳۷ به بعد).

²² (زرکشی، البرهان، ۲/۲۸ ج.۰).

²³ (سیوطی، ۱۹۸۷: ۳/۵۹-۷۷، ۶۵-۶۸، دهلوی، ۱۹۸۰). ۳۵-۴۹؛ زید، ۱۳۶۶: ۱/۴۰۸-۴۰۷).

²⁴ Özdeş, 2001: 41

²⁵ مقایسه کنید. Krş. Çiçek, 2020: 136, 138

²⁶ Gezgin, 2001: 50-51; 61-62

²⁷ (Cabrî, 1980: 13; Zurkânî, 1943: 2/72, 80-82, 145-148)

مربوطه این روایات ذیل آمده است. مثلاً روایتی که به معنای « زن و مرد پیر (متاهل) وقتی زنا کنند، آنها را سنگسار کنید...» که به «آیه رجم» مشهور است، که این تنها یکی از آنهاست.^{۲۸} بر اساس روایت، صحابی معروف ابی بن کعب بیان کرده است که این متن قبلاً در سوره احزاب بوده است.^{۲۹} اینها روایاتی است که بر اساس خبر واحد بوده و کسانی هم هستند که در این که آیا به واسطه آنها تثبیت آیات معقول است یا خیر، تردید دارند. بدیهی است آیات قرآن و نسخ آنها تنها به استناد بر این روایات دارای اشکالات فراوانی است.^{۳۰} برخی برای رهایی از این تناقضات و شبهات، متن ذکر شده در روایت را جداگانه و حکم را در دسته ای جداگانه ارزیابی کرده اند.^{۳۱}

۳. آیاتی که هم متن و هم حکم شان لغو شده. به صراحت بیان شده است که روایات منقول از سلف یعنی علمای سه قرن اول در این زمینه در مورد ۵-۱۰ موضوع متفاوت برخی آیه ویا سوره‌ها به کلی منسوخ و یا کلاً ناپدید شده ویا هم به کلی فراموش شده است.^{۳۲} به عنوان مثال، در روایتی از حضرت عایشه (رض) آمده است که آیه ده مرتبه شیردهی در مورد برادر رضاعی و منع شدن از ازدواج با آن، با احکام پنجگانه شیردهی منسوخ شد.^{۳۳} معلوم است که چنین توضیحی در قرآن نیامده است. در آنجا (در قرآن) کوچکترین نشانه ای از متنی که بیانگر حکم اول یا متأخر باشد، دیده نمی شود.^{۳۴} توضیحات حارث المحاسبی در مورد نسخ جالب توجه است. او در فهم القرآن، نسخ مرتبط با احکام را به شکل ۱۵ باب تقسیم کرده و "تای" در مقاله مربوطه خود آنها را در جداول با مثالهای فراوان گردآوری کرد و این تقسیم را مفیدتر ساخت.^{۳۵}

از آنجایی که موضوع نسخ موضوعی بحث برانگیز است، کتاب ها، مقالات و نوشته های پژوهشی زیادی در این باره نوشته شده است. با این وجود، نسخ همیشه موضوع مورد توجه بوده است.^{۳۶} روشن شد که در مفاهیم، تنش عمیقی بین سلف (علمای سه قرن اول) و خلف در مورد نسخ وجود دارد. تقیید، تبیین، تخصیص و حتی استثنا در برخی جاها در شمول نسخ در نظر گرفته شده است. در دوره های بعدی مسائل، مفاهیم و مرزها مشخص شده. با گذشت زمان، اختلاف های عمیق نیز به سطح معقولی کاهش یافت. در این فرآیند تحقیقات و بررسی های زیادی

^{۲۸} (بخاری، حدود، ۳۰، ۳۱، اعتشام، ۱۶؛ مسلم، حدود، ۱۵)

^{۲۹} (حکیم، ۴۱۵/۲، ۴۳۹/۴؛ تای: ۶۶-۶۷).

^{۳۰} (زرکشی، ۳۶/۲).

^{۳۱} غزالی، ۹۶/۲. مقایسه کنید. Özdeş, 2001: 41

^{۳۲} (بخاری، رفاق، ۱۰؛ مسلم، زکات، ۱۱۶-۱۱۹؛ حاکم، ۲۲۴/۲، ۴۱۵، ۳۵۹/۴).

^{۳۳} (مسلم رضاع، ۲۴؛ ابن ماجه، نکاح، ۳۵؛ ابو داوود، نکاح). ، ۱۰، ترمذی، رضاء، ۳؛ نسائی، نکاح، ۵۱).

^{۳۴} برای آیاتی که هم حکمش و هم تلاوتش منسوخ شده آیات تعداد شیردهی را که که تحریم نکاح را مشخص می سازد، مثال آورده شده است. قبلا آیاتی که با ده بار شیردهی حرام شدن نکاح را مشخص می ساخت، حکم این با آیاتی که با ده بار شیردهی حرام شدن نکاح را مشخص می سازد نسخ شده است. بعدا هر دو نیز، هم حکما و هم تلاوتا منسوخ شده است. Okumuş, 2009: 177-178

^{۳۵} محاسبی: ۳۶۴-۳۶۷؛ Tay: 64-65, 66-78

^{۳۶} Okumuş, 2009: 175-181

صورت گرفته است.^{۳۷} اما موضوع آیتی که متون آنها نسخ شده است، چندان مورد توجه قرار نگرفت. دلیل این امر را مربوط به قبول و رد نسخ می دانند. شاید از کسانی در دوره آخر که نسخ را نپذیرفته اند، توقع نباید داشت که در مورد آیتی که منتش منسوخ شده تحقیق کنند که این موضوع فرعی است. اما از طرفیکسانی که نسخ را پذیرفته اند و از آن دفاع می کنند در این زمینه مطالعه دقیقی صورت نگرفته است. در برخی از کتاب ها در مورد موضوع بحث به عنوان موضوع فرعی و گاه به صورت مقاله ای مجزا به گونه‌ی بسیار محدود بیان شده است، اما مطالعه ملموس و جامعی صورت نگرفته است.^{۳۸}

روایاتی که اشاره به آیتی دارد که بر مبنای آن، آن آیت ها در قرآن کریم تذکر نیافته، تا حدی در کتب تفسیر آمده است. منبع اصلی این روایات کتب حدیث است. در این بررسی ما، بدون درج کتب تفسیر محل ذکر این روایات در کتب حدیث مشخص شده است. سپس ویژگی های این روایات به عنوان خبر واحد مورد بررسی قرار گرفته است. در نتیجه ارزش علمی و عملی (نظری و عملی) آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت، قابل قبول بودن روایات مورد بحث، مورد بحث قرار گرفته است.

حال می توان به بررسی این موضوعات با دلایل و شواهد اصلی آن پرداخت.

۰۲. برخی از روایت ها و منابع اولیه آنها

روایت های مربوط به "آیه رجم"

روایت مربوط به حادثه رجم که در بسیاری از کتب حدیث.^{۳۹} به طرق مختلف تذکر یافته در بخاری (متوفای ۲۵۶/۸۷۰)، یکی از منابع اولیه، روایت شده که حضرت ابن عباس و حضرت عمر بن خطاب چنین گفته اند: «خداوند، محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به حق فرستاد و کتاب را بر او نازل کرد. یکی از چیزهایی که بر او نازل شده آیه رجم است. ما این آیه را خواندیم و فهمیدیم و به خوبی حفظ کردیم. بنابراین، حضرت پیامبر کسانی را که مرتکب زنا شدند سنگسار نمود. بعد از آن ما نیز سنگسار نمودیم. می ترسم بعد از مدت ها کسی بایستد و بگوید ما آیه رجم را در کتاب خدا نمی بینیم و با غفلت ورزی از مسئولیتی که باید انجام شود و از فریضه‌ی که نازل شده

^{۳۷} مقایسه کنید Özdeş, 2001: 41-45 : Gezgin, 2001: 51-52

^{۳۸} از نظر ما این تحقیقی را که انجام دادیم در ساحه خودش مقدمه یک تحقیق گسترده و وسیع محسوب شده می تواند. نگاه کنید:

Mikail Akboğa, Kur'ân'da Yer Almadığı İddia Edilen Ayetler Meselesi, (Malatya, Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi, 2019)

^{۳۹} (مسلم، حدود، ۴؛ ترمذی، حدود، ۷؛ ابوداود، حدود، ۲۳)

است گمراه شوند. درحالیکه مسأله رجم گردیدن هر زن و مرد متاهلی که زنا می کند در کتاب خدا ثابت شده است.^{۴۰} اگر زنا با شهود، حاملگی یا اقرار به جرم ثابت شود رجم، اعمال می شود»^{۴۱}

۲۰۲. روایت کاهش ده بار شیردهی به پنج بار

ترجمه این حدیث که در مسلم ذکر شده (متوفای ۲۶۱/۸۷۵) چنین است: حضرت عایشه (رض) چنین فرموده است: «در قرآن، در بین آیاتی که نازل شده آیهی ده بار شیردهی که به تحریم ازدواج معروف است، وجود داشت. سپس این ۱۰ بار شیردهی با ۵ بار شیردهی منسوخ شده. در حالی که این آیه به عنوان آیه ای از قرآن خوانده می شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم رحلت کرد».^{۴۲}

۳۰۲. «قوم ما را از وضعیت ما آگاه کنید»

روایت دیگری که در منابع اولیه آمده است، بیان می کند اصحابی که در اطراف بئر معونه به شهادت رسیدند، هنگام شهادتشان، این واقعه به عنوان آیه ای بر پیامبر ما نازل شد:

«...رسول خدا (ﷺ) هفتاد تن را بسوی بنی سلیم نزد برخی از قبایل و بنی عامر فرستاد. هنگامی که به حوالی بئر معونه رسیدند، مامایم به دوستانش گفت: اگر در تبلیغ در مورد رسول خدا (ﷺ) به من امان بدهند، تبلیغ خواهم نمود، اگر امان ندهند شمایان در مکانی نزدیک به من خواهید بود.»^{۴۳} و به پیش رفت بنی سلیم نخست به مامایم امان دادند. و آن در حالی که در مورد حضرت پیامبر (ﷺ) با آنها صحبت می کرد، ناگهان به مردی در میان خود اشاره کردند. نیزه ای را به مامایم زد و نیزه را از سینه اش بیرون آورد. در این هنگام عمویم فریاد زد: الله اکبر به صاحب کعبه قسم پیروز شدم. سپس بنی سلیم به بقیه دوستان مامایم روی آوردند و جز یک لنگ که به کوه گریخت همه را شهید کردند. راوی همام می گوید: فکر می کنم مرد دیگری نیز در کنار آن گفت. در آن لحظه حضرت جبرئیل (علیه السلام) درباره این مصیبت به پیامبر (ﷺ) گفت: «همه اصحاب در سربه به پروردگار خود رسیدند. خداوند از آنها راضی است و او نیز آنها را راضی ساخت.» در آن زمان این خبر جبرئیل را از جمله آیات قرآن فکر کردیم: «از وضعیت ما قوم ما را آگاه کن که به پروردگاران رسیدیم. او از ما راضی بود و ما را نیز راضی کرد.» پس از مدتی این

^{۴۰} دروزه، نوع نسخی را که به شکل آیات متنا منسوخ حکما باقی تصنیف شده است، نمی پذیرد. از نظری از هیچ نگاه قابل تفهیم نیست. او آن را به یک قانونی که از قانون بودنش خارج کرده شده و عمل به آن ادامه یابد، تشبیه می دهد. از نگاه وی این منجر به احداث جرم و جزای بدون قانون می شود و آن خلاف حکمت الهی خواهد واقع شده. وی آشکارا تعجب خود را از این فهم بیان می کند که آیه ای که حاوی حکمی است که به امنیت جانی و مصونیت مردم لطمه می زند، به عنوان متن نسخ شده اما به عنوان حکم باقی می ماند.

^{۴۱} (بخاری، حدود، ۳۱).

^{۴۲} مسلم، رضاع، ۲۴؛ موطن، رضاع، ۱۲۸۹؛ ابوداود، نکاح، ۱۰؛ نسائی، نکاح، ۵۱، Okumuş, 2009: 177-178.

آیه نسخ شده پس از وقوع این مصیبت، پیامبر (ﷺ) قبایل رعل، ذکوان، بنی لحيان و بنی عصیه را که در برابر خدا و رسولش ایستادند، چهل صبح لعنت فرستاد»^{۴۳}

۴۰۲. اگر بنی آدم دو وادی پر از ملک داشت، سومی را می خواست.

«...اگر بنی آدم دو وادی پر از طلا داشت، سومی را می خواست. فقط خاک شکم بنی آدم را پر می کند. خداوند توبه‌ی توبه کنندگان را می پذیرد»^{۴۴}

حدیثی را که در اینجا به قول بخاری آورده ایم در مسلم (متوفای ۲۶۱/۸۷۵)، با روایت ابوموسی اشعری این ضمیمه شده است: «ما سوره ای می خواندیم. آن سوره را از نظر شدت و طول به سوره توبه تشبیه می کردیم. سپس آن سوره را فراموش کردم. با این حال، از آن سوره تنها این ها را توانستم در حفظ خود نگهدارم: «اگر بنی آدم دو وادی طلا داشت، قطعاً وادی سومی را می خواست. فقط خاک شکم بنی آدم را پر می کند»^{۴۵}

۵۰۲. سوره احزاب به اندازه طول سوره بقره بود

معنای حدیثی که متنش را از احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱/۸۵۵) آورده ایم و در منابع دیگر نیز ذکر شده است، چنین است: «...عاصم بن بهدله به نقل از زر گفت: «ابی بن کعب برایم گفت: سوره احزاب را چند آیه خواندی یا شمردی؟ گفتم هفتاد و سه آیه. ابی گفت: مطلقاً نخیر، دیدم احزاب مساوی با بقره است. به خدا سوگند این آیه را در سوره احزاب خواندیم: «هنگامی که زن و مرد متاهل زنا کنند، از جانب الله به گونه یک عذاب، آن ها را سنگسار کنید، خداوند عزیز و حاکم است»^{۴۶}

۶۰۲. روایت صفحه های که توسط بزها یا گوسفند خورده شده

معنای حدیثی که در ابن ماجه آمده و در اینجا ذکر می کنیم، چنین است: عایشه رضی الله عنها گفت: آیه رجم و شیردهی ده بار، نازل شده بود. اینها روی یک صفحه نوشته شده و زیر تخت بود. هنگامی که رسول خدا (ﷺ) رحلت کرد و ما به رحلت آن حضرت مشغول بودیم، بزى وارد شد و صفحه ای را که آیات بر آن نوشته شده بود خورد»^{۴۷}

^{۴۳} (بخاری، جهاد، ۹؛ مسلم، مساجد، ۲۹۷).

^{۴۴} (بخاری، رفاق، ۱۰؛ یولجو، ۱۹؛ 178 Okumuş).

^{۴۵} (مسلم، زکات، ۱۱۹).

^{۴۶} Yolcu، 18؛ مسند، ۱۳۲/۵، حاکم، ۴/۴. ۳۶۰؛ نسایی، ۴۰۸/۶؛ بیهقی، ۳۶۷/۸).

^{۴۷} (ابن ماجه، نکاح، ۳۶).

۰۷۰۲. روایت از پدران خود روی نگردانید

حدیث به شکلی که در بخاری آمده، چنین است: "از جمله چیزهای که در کتاب خدا خواندیم چنین آیه‌ی نیز وجود داشت: "از پدران خود روی نگردانید، زیرا کفر است که از آنان روی برگردانید یا روی برگردان شما از پدران خود قطعاً برای شما کفر است."^{۴۸}

۰۸۰۲. روایت سوره‌ی که به مسبحات تشبیه شده

روایت دیگری که در مسلم یکی از منابع اولیه دوره اول است چنین است؛ «به من سوید بن سعید روایت کرد. گفت: به ما علی بن مُسهر از داود، آن هم از ابوحرب بن ابی الاسود و او، آن را از پدرش روایت کرده که ابو الاسود چنین گفته است: ابوموسی اشعری برای قرّای اهل بصره خبر فرستاد و آن‌ها را به نزد خود فرا خواند. سپس سیصد تن از آنان نزدش آمدند. ابوموسی به آنها گفت: شما بهترین مردم بصره و اهل قرا هستید. قرآن تلاوت کنید و هرگز زمان زیادی را بدون تلاوت قرآن سپری نکنید. در غیر آن صورت دل‌های شما سخت می‌شود، چنانکه دل‌های کسانی که پیش از شما بودند، سخت شده. ما یک سوره را می‌خواندیم، آن سوره را از نظر شدت و طول به سوره توبه تشبیه می‌کردیم، سپس آن سوره را فراموش کردم. با این حال، من توانستم این‌ها را در حفظ خود نگهدارم: «اگر بنی آدم دو وادی پر از طلا داشت، قطعاً وادی سومی را می‌خواست. فقط خاک شکم بنی آدم را پر می‌کند.» سوره دیگری را می‌خواندیم، آن را به یکی از سوره‌های مسبحات تشبیه می‌کردیم. آن را نیز فراموش کردم. اما از آن سوره این آیه در خاطرمان ماند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزهایی می‌گویید که انجام نداده‌اید، سپس اینها به عنوان شاهد بر گردن شما نوشته می‌شود و در روز قیامت مسئول آن‌ها خواهید بود»^{۴۹}

۰۹۰۲. روایت «به نماز عصر توجه کنید»

«برآ بن عازب، از شقیق بن عقبه روایت نموده این‌ها را اظهار می‌دارد: آیه‌ی «در انجام و اقامه کامل نمازها و نماز عصر محافظت کنید» نازل شده. ما آن را در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) به اندازه‌ای که خداوند می‌خواست آن را می‌خواندیم، سپس خداوند آن را با آیه: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»^{۵۰} در انجام [به موقع و کامل] همه‌ی نمازها و [به خصوص] نماز وسطی (نماز) کوشا باشید" نسخ کرده. مردی به نام ظاهر در کنار شقیق نشسته بود به شقیق گفت: پس این نماز عصر است. شقیق جواب داد: به تو گفتم که چگونه این آیه نازل شد و چگونه خداوند آن آیه را نسخ کرد. خداوند داناتر است»^{۵۰}

^{۴۸} (بخاری، حدود، ۳۱).

^{۴۹} Yolcu, 17; (مسلم، زکات، ۳۹).

^{۵۰} (مسلم، مساجد، ۳۶؛ مسند، ۴/۳۰۱؛ نسایی، صلوة، ۱۴).

۱۰۰۲. روایت «آن سوره دیروز نسخ شد»

«ابن شهاب چنین می گوید: ابو امامه بن سهیل بن حنیف، از واقعه ای در مجلس سعید بن مصیب برایم تعریف کرد و گفت: «کسی که سوره ای در حفظ خود دارد، شب از خواب بیدار می شود تا بخواند، اما نمی تواند به یاد آورده بخواند. سپس مرد دیگری بلند می شود و می خواهد آن را بخواند، اما نمی تواند آن را به خاطر بیاورد. بعد یکی دیگر بلند می شود و او نیز به همین گونه نمی تواند به خاطر بیاورد. پس به محض فرا رسیدن صبح نزد رسول خدا (ﷺ) می آیند. یکی از آنان گفت: ای رسول خدا! شب بیدار شدم تا فلان سوره را بخوانم، اما به یاد آورده نتوانستم.» سپس دیگری گفت: ای رسول خدا من نیز برای این آمدم. سپس دیگری گفت: من هم برای همین آمدم یا رسول الله. رسول خدا صلی الله علیه و سلم به آنان چنین توضیح فرمود: آن سوره دیروز نسخ شد^۱ از سوی دیگر عقیل این عبارت را به این واقعه افزوده است: «ابن مسیب نشسته بود و این واقعه را غریب ندانست»^۲

۱۱۰۲. روایت «مثل نخستین بار که جهاد کردید، جهاد کنید»

«عمر بن الخطاب (رض)، به عبدالرحمن بن عوف گفت: «آیا ندیدیم که آیه «مثل نخستین بار که جهاد کردید، جهاد کنید» بر ما نازل شد؟ ما در حال حاضر نمی توانیم او را پیدا کنیم.» عبدالرحمن گفت: «همانند آنچه از قرآن حذف شد، این نیز حذف شد»^۳

حارث المحاسبی (متوفای ۲۴۳/۸۵۷) در این مورد چنین گفت: «جهاد در کتاب خدا ثابت شده است. با عبارتی که در اینجا ذکر شد، تصویر، یعنی متن این آیه حذف شده است»^۴

۱۲۰۲. روایت «به روزهای دیگر پی در پی بگیری»

عبدالله بن عمر رضی الله عنه گفت: روزه خود را مثل روزهای که خوردی در روزهای دیگر بگیر. سپس ابن عمر از عروه روایت کرده گفت: عایشه رضی الله عنها فرموده آیهی «آنچه را که در دیگر روزها نگرفته اید پی در پی بگیری» نازل شد، سپس کلمه «پی در پی» نسخ شد.^۵

۱۳۰۲. روایت «یکی از شما نگوید من تمام قرآن را حفظ کرده ام»

ابن عمر (رض) گفت: «یکی از شما نگوید من تمام قرآن را حفظ کرده ام» از کجا بداند که کل قرآن چیست، زیرا بیشتر قرآن حذف شده است. اما بگوید ما بقیه قرآن را حفظ کردیم»^۶

⁵¹ Yolcu, 16.

^۱ (سلام ۱۴-۱۵؛ محاسبی، ۱۹۷۱: ۲۵۶، ۴۰۶؛ طحوی، ۱۹۹۴: ۲۷۱/۵-). جوزی، ۲۷۲: ۲۰۰۳: ۱/۱۵۸).

^۲ (سلام ۳۲۵؛ محاسبی، ۱۹۷۱: ۴۰۳؛ جوزی، ۱۳۸۲: ۱/۱۶۴)

^۳ (محاسبی، ۱۳۵۰: ۴۰۳).

^۴ الصنعانی، ۱۹۷۰: ۲۴۱-۲۴۲؛ دارقطنی، ۱۷۰/۳؛ بیهقی، ۴۳۱-۴۳۰/۴)

^۵ (سلام، ۳۲۵).

۱۴۰۲. «روایت «عبدالله منسوخ شده از قرآن را نیز آموخت»

«بنابر روایتی که از ابن عباس نقل شده، وی چنین گفته است: پرسید که نخست به کدام قرائت اعتبار می کنید؟ آنها گفتند؛ به قرائت عبدالله. فرمود: آری، آخرین تلاوتی است که عرضه شده. زیرا قرآن سالی یک بار بر رسول خدا (ﷺ) عرضه می شده. اما در سالی که وفات کرد، دو بار بر او عرضه شد و عبدالله شاهد آن بود و آنچه را که از قرآن نسخ و تغییر داده شد، آموخت»^{۵۷}

۱۵۰۲. روایت «آن سوره عذاب است»

حذیفه (رض) چنین می گوید: آنچه از سوره براءت (توبه) می خوانید، تنها یک چهارم آن است. در حالی که آن سوره عذاب است، آن را سوره توبه می گوید»^{۵۸}

۱۶۰۲. ابوسفیان القلاعی چنین می گوید: «مسلّمه بن مخلد الانصاری باینکه نزدش ابوالکنود سعد بن مالک بود، چنین پرسید: آیا می توانید به من دو آیه را که در قرآن نوشته نشده بخوانید» اشخاصی که آنجا بودند نتوانستند بخوانند. سپس مسلمه این آیه را تلاوت کرد: مؤمنانی را که با جان و مال خود در راه خدا جهاد کردند و هجرت کردند بشارت ده که شما رستگارانید. هیچ کس نمی داند چه چیزی پنهان است بر کسانی که هجرت کردند و یاریشان کردند و در کنار مؤمنان با مردمی که خداوند بر آنها غضب کرده بود جنگیدند.»^{۵۹}

۱۷۰۲. روایت سوره های خلع و حقد

سعید بن عبدالرحمن بن الازبی از پدرش روایت کرده چنین می گوید: هنگام خواندن نماز صبح پشت عمر بن خطاب (رض)، شنیدم که بعد از تلاوت و قبل از رکوع این جمله را می خواند: «خدایا! تنها تو را می پرستیم و تنها برای تو دعا و سجده می کنیم. ما فقط به سوی تو رجوع می کنیم و از تو کمک می خواهیم. به رحمت تو امیدواریم و از عذاب تو می ترسیم. فقط کافران عذاب تو را خواهند چشید. خداوندا! تنها از تو کمک و بخشش می طلبیم. تو را به نیکی می ستاییم و ناسپاسی نمی کنیم. ما به تو ایمان داریم و اطاعت می کنیم. ما از منکران تو اطاعت نمی کنیم»^{۶۰}

همانطور که مشاهده می شود این روایات که در اینجا آورده شده در منابع اولیه قرار دارد. کسانی که تحقیقات گسترده تری انجام می دهند متوجه خواهند شد که این روایات تنها آن چیزی نیست که ما در اینجا آورده ایم^{۶۱} آنچه

^{۵۷} (ابن ابوشیبہ، ۲۰۰۴؛ ۲۷۸/۱۰؛ احمد: مسند، ۱/۳۶۳؛ ۱۳۸۳). نسایی، ۷/۲۴۸، ۳۵۳).

^{۵۸} (حکیم، ۲/۳۶۱؛ طبرانی، ۲/۸۵؛ ابن ابوشیبہ، ۱۳۸۳؛ ۱۰/۲۴۲).

^{۵۹} (سلام، ۳۰۱). بخاطر معلومات بیشتر نگاه کنید.

Osman Kaya, Kur'an'ın Metinleşmesi Bağlamında Nesih Problemi. *Harran Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, (2014), 19/31:136-183.

^{۶۰} (بیهقی، ۲/۲۹۹؛ ابن ابوشیبہ، ۲۰۰۴؛ ۲۶۸/۳؛ Okumuş, 178.

^{۶۱} مقایسه کنید. Gezgin, 2001: 55-57

در این اثر درج کرده ایم برای دلالت بر وجود متن آیات منسوخ کافی است. بر اساس این روایات و روایتی که بسیاری از روایان موثق روایت کرده اند و در بسیاری از منابع آمده است، مضمون و گستردگی برخی از سوره های قرآن با آنچه در مصحف امروزی آمده، متفاوت است. علاوه بر این، بسیاری از آیات که شناخته شده و به آن عمل شده بود، یا فراموش شده یا ناپدید شده اند. به نظر می رسد که این گونه روایات از نظر محتوایی با ثابتهی اینکه قرآن در حمایت الهی بوده و مورد محافظت خود خداوند متعال قرار دارد و با دیدگاه عمومی مسلمانان سازگاری ندارد. که در اینجا موضوعی که نیاز به توضیح دارد فراتر از توضیح است. به ویژه علمای اهل حدیث و تفسیر باید به این موضوع توجه کنند. بنابراین انتظار می رود که توضیحی معقول، معتدل و منسجم ارائه دهند.^{۶۲}

حال بیابید نگاهی بیندازیم به موضوعات و زمینه هایی که این روایات در آن متمرکز شده اند. این از کمیت و کیفیت مشکل به ما ایده ای خواهد داد.

۳. ساحه‌ی که روایات در آن متمرکز است

این روایات و روایات مشابه به آن که به متن آیات منسوخ شده اشاره می کند، توسط علما به گونه های مختلف طبقه بندی شده است. مثلاً در کتب علوم القرآن، این روایات که قرآن کریم را نیز احتوا می کند به شرح زیر طبقه بندی شده است:

۱- آیاتی که حکم آنها منسوخ متنش باقی است: مثلاً: با آنکه حکم آیه ۲۳۱ بقره که توصیه می کند زنی که شوهرش بمیرد یک سال در عدت بنشیند، متن آن پابرجا مانده است.^{۶۳}

۲- آیاتی که متن آنها منسوخ حکم آن ها باقی است: مثلاً: مانند آیه ای که بیان می دارد پیرانی که زنا می کنند باید رجم شوند.

۳- آیاتی که هم حکم و هم متن آن منسوخ است: مثلاً نسخ آیه ای که ده شیردهی را برای ایجاد خویشاوندی شیر لازم می داند، با پنج شیردهی که در این باره آمده است، نسخ شده است. بر اساس روایات، این آیاتی بود که هنگام رحلت رسول خدا (ﷺ) از قرآن تلاوت می شد.^{۶۴} بر اساس این طبقه بندی، روایاتی که گفته می شود متن آنها از قرآن حذف شده است، جزء آیات قرآن محسوب می شوند.

در خصوص ارزیابی تقسیم بندی معقول این گونه روایات از نقطه نظر حوزه تمرکز، تقسیم بندی علمای فقه و اصول فقه است. آن ها این روایات را به عنوان روایات حکم موضوعی و غیر حکم موضوعی تقسیم کرده اند.

^{۶۲} مقاسه کنید. Gezgin, 2001: 55-60

^{۶۳} السیوطی، ۲/۵۸؛ زرکشی، ۲/۳۵.

^{۶۴} Yolcu, 15؛ ابوداود، نکاح، ۱۰؛ سیوطی، ۲/۵۸-۶۵؛ قطان، ۲۵۲؛ زرکشی، ۲/۳۵.

از روایات دارای حکم موضوعی دو عدد تثبیت شده است. یکی از آنها روایتی است که گفته شده آیه رجم است و دیگر آن روایتی است که گفته شده ده مرتبه شیردهی با پنج مرتبه شیردهی نسخ گردید.^{۶۵}

از سوی دیگر، روایاتی که مشمول حکم نمی شوند، احکامی از قبیل «به قوم ما خبر بده...»، «اگر پسر آدم دو وادی طلا داشت...»، «سوره احزاب بود»، در آن وجود ندارد. طول سوره بقره...» که در قسمت قبل ذکر نشده و از این دو روایت خارج شده است، شایعاتی است که به اصول اخلاقی خاصی اشاره دارد.

تعیین ساحه ای که روایات در آن متمرکز شده اند با کمیت و کیفیت آنها متفاوت است. هر شاخه از علم می تواند آنها را به گونه ای متفاوت بررسی کند و آنها را به روش های مختلف و در موضوعات مختلف ارزیابی کند. این به معنای قرار دادن آنها در دسته های مختلف توسط هر رشته است. برای بیان میزان کامل، باید به همه روایات به تفصیل پرداخت. پرداختن به این موضوع در محدوده تحقیقات ما امکان پذیر نیست. بنابراین باید آن را به تحقیقات جامع و عمیق تری بسپاریم.

حال می توان به ارزش علمی این گونه روایات و شرایط پذیرش آنها پرداخت. در این عنوان به سؤالاتی از جمله اینکه این روایات از نظر سیستم اعتقادی، هنجارهای اخلاقی و احکام چه معنایی دارند، قوام و جایگاه الزام آور آنها چیست، پاسخ داده می شود.

۰۴ وضعیت قابل قبول بودن روایات

در فصل اول وضعیت پذیرش روایات مذکور در دو عنوان مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. در عنوان اول با توجه به خبر واحد بودن همه روایات ذکر شده ماهیت خبر واحد مورد ارزیابی قرار می گیرد و در عنوان دوم رویکرد برخی از علمای اسلام به این روایات، مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۰۱۰۴ خبر واحد، ارزش علمی و مسئلهی قابل عمل بودن آن

علمای اصول عموماً خبر را به دو نوع تقسیم کرده اند. نوع اول خبر متواتر بوده که می توان گفت تقریباً هیچ اختلافی در آن نیست و در این که خبر متواتر هم ارزش علمی دارد و هم قابلیت عمل دارد، اتفاق نظر وجود دارد. اما برای این که بتوان در مورد روایات خبر واحد هم چنین گفت، باید خبر واحد را بررسی کرد.

۰۱۰۱۰۴ خبر واحد

در فرهنگ لغت: خبر واحد که متشکل از کلمات «خبر» و «واحد» است، به معنای خبری است که آن را یک نفر نقل کند.^{۶۶} خبر واحد، در اصطلاح تعاریف زیادی شده است. برخی از آنها چنین است:

⁶⁵ Yiğın, 2013: 279

غزالی (متوفای ۵۰۵/۱۱۱۱) خبر واحد را چنین بیان می کند: «خبری است که به حد تواتر نمی رسد. کلام پیغمبر خبر واحد نیست زیرا حقیقت آن معلوم است»^{۶۶}

ابن حزم (متوفای ۴۵۶/۱۰۶۴) خبر واحد را این گونه تعریف می کند: «روایتی که یک راوی از راوی دیگر نقل می کند»^{۶۷}

بزدوی (آیه ۴۹۳/۱۱۰۰) خبر واحد را این گونه بیان می کند: «خبری است که یک یا دو یا چند نفر نقل کنند، مشروط بر اینکه مشهور و متواتر نباشد»^{۶۸}

جامع ترین تعریف که به حنفیان نسبت داده می شود را می توان به شرح زیر ذکر کرد: «خبر واحد، خبری است که در زیر متواتر و مشهور بوده و از سوی عده ای معدود نقل شده و دارای شبهات شکلی و معنایی است و به یک احتمال به رسول الله منسوب است»^{۶۹}

۲۰۱۰۴. انواع خبر واحد

خبر واحد را علما به انواع مختلف تقسیم کرده اند. تقسیم پذیرفته شده عمومی در این تقسیم، تقسیم دودویی بر اساس ارزش علمی است.^{۷۰}

اول: خبری است که مستند به قرائن، مفید علم، نشان دهنده صداقت راوی باشد. مثلاً خبری که پیامبر داده است و صحت آن را معجزه ای تأیید می کند که دلیل خارجی غیر از خودش است، مفید علم است.

دوم: آن خبر واحدی است که مفید علم باشد و مستند به دلیلی بر صداقت راوی نباشد. این نیز بر حسب وجود یا عدم وجود دلیل، مفید علم بوده و به شکل عدم مفید علم به دو دسته تقسیم می شود: مفید علم و غیر مفید علم: اولی، در صورت احراز شرائط عدالت و تعداد راویان، و یا اینکه یکی از آن دو، یک شرط محقق شود، مفید علم است. دومی، اگر این شرایط وجود نداشته باشد، این خبر مفید علم نیست.^{۷۱}

علما قسمی از خبر را که مستلزم علم است و در آن دلیلی بر صحت خبر دهنده وجود دارد، به شش قسمت تقسیم کرده اند.^{۷۲} اول، خبری است که خداوند صحت خبر دهنده را تأیید می کند. گفته های برخی از صحابه را که قرآن تأیید نموده، از این قبیل است.

^{۶۶} (غزالی، ۱۳۹۶: ۳۱۶).

^{۶۷} ابن حزم، ۱۹۸۳: ۱/۱۰۸).

^{۶۸} (بزدوی، ۱۵۲).

^{۶۹} (بزدوی، ۱۵۲).

^{۷۰} Yiğın, 2013: 281-282

^{۷۱} Kubat, 2004: 263; Yiğın, 2013: 281-282

^{۷۲} (غزالی، ۲۰۱۷: ۳۰۸-۳۰۹)؛ Yiğın, 2013: 281-282

«دوم خبری است که با معجزاتی که پیامبران نشان داده اند، پشتیبانی شده است. معجزات، دلیل بر حقانیت پیامبران است.»

ثالثاً خبر کسانی است که اظهار می دارند که پیامبرانی که معجزه کرده اند حقیقت دارند. دروغ گفتن این ها از اینکه دروغگویی پیامبران را نشان می دهد ممکن نیست، زیرا اساس اجماع امت بر همین متکی است. پس هرگاه در موضوعی اجماع وجود داشته باشد، تبعیت از آن لازمی است.»

«چهارم، خبری است که وقتی چیزی در حضور پیامبر گفته شود و به اطلاع او عرضه شود و پیامبر آن را رد نکند، به میان می آید. زیرا پیامبر دروغ را تایید نمی کند.

«پنجم، خبری است که وقتی در جمع کثیری، از واقعه ای گفته شود و آن را به اطلاع شان برساند و این گروه آن را رد نکند، به میان می آید. زیرا اگر اطلاعات ارائه شده به یک جماعت اشتباه باشد، امکان اعتراض نکردن کسی وجود ندارد. بنابراین، چنین خبری نیز مفید علم است.»

«ششم خبری است که امت بر سر موضوعی اجماع نموده و آن را پذیرفته باشند. تشکیل اجماع بر این خبر، بیانگر صحت خبر و مفید علم است.»^{۷۳}

خبر واحدهای که در شش ماده‌ی مذکور ذکر شد از اینکه دارای دلیل است بر اساس استدلال علم قطعی را بیان نموده و عمل را لازم می سازد. خبرهای مذکور از آن جهت بیانگر علم است که مستند به دلایل خارجی است. علاوه بر این، کسانی که برایش شهادت می دهند، این خبر بیانگر علم است. بیان علم برای نسل های بعدی بستگی به قدرتی که در سند او دارد ممکن است متفاوت باشد. اما بیشتر به بیان علم ادامه می دهد. زیرا علما در مورد خبری که به این شش طریق واقع شده باشد که مفید علم است، تقریباً اختلاف ندارند.»^{۷۴}

روایاتی که در قسمت اول آورده ایم مربوط به قسمت دوم تقسیم دوتایی فوق است. یعنی دلیلی که بر صحت خبر دهنده اشاره کند وجود دارد و دارای مستند به دلیل نیست، بر این اساس وارد قسمتی می شود که دارای یک دلیل است و یا نیست، بیان کننده علم است یا نیست. این قسمت در عنوان بعدی توضیح داده خواهد شد.

۳۰۱۰۴. دانش و ارزش عمل خبر واحد

در قسمت اول تقسیم دوتایی فوق، گفته شد که توافق کلی وجود دارد که شش گروه از خبر واحد مستلزم علم هستند. خارج از اینها، موضوع قسمت دوم تقسیم دوتایی، ارزش علم و عمل خبر واحد است.

⁷³ Yiğın, 2013: 281-282

⁷⁴ امام غزالی این قسم را به سه قسم اساسی تقسیم می کند؛ اول، خبری که مستلزم تصدیق است، دوم، خبری که مستلزم تکذیب است، سوم، خبری که نه می توان تصدیق کرد و نه هم می توان تکذیب کرد. قسمی را که در اینجا ذکر کردیم قسم اول بوده امام غزالی این قسم را به هفت نوع تقسیم کرده است. (غزالی، ۱۳۹۶: ۳۰۸-۳۰۹) علاوتا نگاه کنید: Yiğın, *Klasik Fıkıh Usulünde Bilgi Anlayışı*, 281-282.

اساساً سه دیدگاه در این زمینه وجود دارد و بحث های گسترده ای در این باره صورت گرفته است. این بحث ها منجر به ایجاد مطالبی غنی شده. دو دیدگاه از این سه دیدگاه که کاملاً گسترده است و در مورد آنها بسیار بحث شده است مختصراً مورد بررسی قرار می دهیم و دیدگاه دیگری که موضوع تحقیق را روشن می کند به تفصیل بررسی می شود.

۰۱.۳.۱۰۴ غیر لازمی بودن خبر واحد به علم و عمل

کسانی که این دیدگاه را دارند نماینده ضعیف ترین دیدگاه هستند که اقلیت را تشکیل می دهند و نمی توانند بین خودشان نیز به اجماع برسند. برخی از آنها عمل با خبر واحد را از نظر عقلی غیر ممکن می دانند. اکثریت آنها از نظر عقلی عمل را ممکن می دانند. نظرات، ایرادات و پاسخ هایی که به آنها داده شده و چگونگی ابطال نظرات آنها ارتباط مستقیمی با موضوع ما ندارد، بنابراین به منبع مربوطه ارجاع داده شده است.^{۷۵}

۰۲.۳.۱۰۴ خبر واحد تنها مستلزم عمل است

اگرچه دیدگاه سوم که در این عنوان و عنوان بعدی به آن اشاره خواهد شد دیدگاه جمهور علما را نشان می دهد، اما طرفداران این نظر ذکر شده در این عنوان بیشتر است. صاحبان این نظر با صاحبان نظر سوم در مورد عمل با خبر واحد موافقت و در مورد بیان علم اختلاف داشته اند. به عقیده دارندگان این دیدگاه، «خبر واحد مستلزم علم نیست، بلکه بیانگر ظن است»^{۷۶}. از نظر عقلی محال است که نیاز به علم داشته باشد. با یقین نمی توان تشخیص داد که این خبر دروغ است یا درست. باز هم کسانی که این نظر را داشتند، اگر خبر واحد علم را بیان می کرد، همانطور که نسخ قرآن با خبر متواتر جایز است و با خبر واحد نیز جایز می بود. با شهادت یک شاهد نیز حکم صادر می شد. آنها به ساختار خبر واحد و احتمال هذیان و دروغ در خبر واحد توجه می کنند و می گویند که اگر راوی عادل باشد یا گناهکار باشد، مانند خبر متواتر، تأثیری در وضعیت نمی داشت. از آنجایی که نظر ایشان به ارزش علمی خبر واحد به طور کلی این گونه است، عمل به خبر واحد را جایز می دانند، زیرا مبتنی بر عقل نه، بلکه بر سمع اند، یعنی نقل.^{۷۷}

^{۷۵} (Kubat, 2004: 266; Yığın, 2013: 301) در مورد روایت حدیث، هم به متن حدیث و هم به سلسله راوی حدیث، نهایت توجه را باید داشت. در مورد موضوع نگاه کنید:

Hacı Çiçek, "Şevkani'nin Hayatı ve el-Fevaid Adlı Eserin Metodolojik Özellikleri". *e-Şarkiyat İlmî Araştırmalar Dergisi*, (2013), 5/9: 104-126.

^{۷۶} (Apaydın, 2017: 55)

^{۷۷} Kubat, 2004: 267; Yığın, 2013: 293-294

۰۳۰۳۰۱۰۴

خبر واحد هم مستلزم علم و هم عمل است

صاحبان این دیدگاه اکثر اهل حدیث و از جمله احمد بن حنبل، بر این باورند که خبر واحد که در مورد سلامت اهلش حکم می کند، لزوماً علم یقینی (قطعی) ارائه می دهد^{۷۸} به طور عموم مانند زیر است.

خبر واحد که واجد شرایط صحت است، مانند خبر متواتر بدون نیاز به استنباط، علم را در نفس ما آشکار می کند. برخی مخالفت کرده اند که اگر خبر واحد علم یقینی بود مردم در این موضوع اختلاف نمی کرد و این ایراد را چنین پاسخ داده اند: این علم هدیه ای از جانب خداوند است. اختلاف برخی، خبر واحد را از بیان علم ضروری باز نمی دارد، زیرا خبر متواتر اگرچه بیانگر علم ضروری است، اما قابل اختلاف نیز هست. علاوه بر این، زمانی که دلیل یا قرینه برای خبر واحد وجود داشته باشد، می تواند به حد خبر متواتر برسد.^{۷۹}

کسانی که استدلال می کنند که خبر واحد بر اساس استنباط خود علم قطعی ارائه می دهد، دلایل زیادی برای تأیید دیدگاه خود آورده اند. مثلاً: «سزاوار نیست همه مؤمنان با هم به جنگ بروند. چرا از هر گروهی از ایشان جمعی بیرون نروند (و دسته ی بمانند) تا در دین علم کافی داشته باشند و به کسانی که از غرور برگشتند هشدار دهند. امید است که بترسند و بپرهیزند» (۹/توبه ۱۲۲) بر اساس کلمه «نفر» که در آیه آمده است، بنابر لزوم دید آیه حتی اگر یک شخص هم باشد امر الهی بر آن است که باید صاحب علم گردیده و مسافرانی را که از سفر برمی گردند به آن ها از دین شان یادآوری کند، بناء ادعا دارند که خبر واحد مستلزم علم و عمل بوده، در عین حال باید همراه این آیه، آیه ششم سوره حجرات که به بررسی خبر شخص فاسق امر می کند مورد ارزیابی قرار گرفته، خبر شخص فاسق نه بلکه خبری را که شخص عادل می دهد، مستلزم علم و عمل دانست^{۸۰}

در آیات بسیاری از اعمال بر اساس ظن نقد شده است. در موضوع خبر واحد و عمل اتفاق نظر وجود دارد. از آنجایی که به دلیل آیاتی که ظن را نقد می کند نمی توان با ظن عمل کرد، واجب بودن عمل با خبر واحد نشان می دهد که خبر واحد مستلزم علم است. اینکه خبر واحد از نظر استدلال مستلزم علم است نشان می دهد که هر سخن پیامبر (ﷺ) به دلیل وظیفه بیانش وحی است. سخنان پیامبر به این آیه الله، " همانا ما خود قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما خود آن را نگاه داریم." (۹/حجر ۱۵) نیز وارد می شود. در این حالت کلام حضرت پیامبر را هم باید محافظت کرد. بنابراین از آنجایی که دروغ و اوهام نتوانست مدت زیادی در میان خبر بماند، خبر واحدی که از طریق راویان موثق از پیامبر می رسد، مستلزم علم است. با توجه به وظیفه تبلیغ و ابلاغ حضرت پیامبر که تا روز قیامت

⁷⁸ Yiğın, 2013: 286-291

⁷⁹ Kubat, 2004: 264-265; Yiğın, 2013: 286-291

⁸⁰ غزالی، ۲۰۱۷: ۳۱۷-۳۱۸؛ Yiğın, 2013: 286-291

ادامه خواهد داشت، منحصر کردن علم به خبر متواتر، لغو بخش اعظم دین از پیامبر را ایجاب می کند. اما دین خدا تحت حمایت است و از این لحاظ باید پذیرفت که خبر واحد بیان علم را لازم می گرداند.^{۸۱}

مصادیق فراوانی از اجرائات وجود دارد که خبر واحد مستلزم علم قطعی است. بعضی از آنها این ها هستند: پیامبر (ﷺ) حضرت معاذ و حضرت علی را به یمن، ابوعبیده را به نجران، حضرت ابوبکر را به عنوان فرمانده حج به مکه فرستاده. وجود تواتر در این توظیفات یا خبر واحدی که با خود آورده اند را نمی توان باطل دانست. بنابراین، این اعمال نشان می دهد که خبر واحد مستلزم علم دقیق است.^{۸۲}

حضرت پیامبر (ﷺ) هنگام فرستادن حضرت معاذ (رض) به یمن باید به این نکته توجه داشت که روایت یک شخص را آن حضرت علم تعریف می کند و می فرماید: «به آنها خبر ده (اعلمهم) که خداوند زکات را به خاطر مالشان بر آنها واجب کرده است.^{۸۳} اجرائات اصحاب و تابعین نیز این ها را حمایت می کنند. زیرا در فراگیری آیات به آن عمل می کردند بدون اینکه منتظر باشند که افراد زیادی آن را نقل کنند.^{۸۴}

ضمناً معلوماتی که عالم قرائت، محدث یا مفتی برای ساکن روستا می دهد برای اهالی روستا الزام آور است. لازم است به آنچه رسولان آورده اند عمل شود و آنچه گفته اند ابلاغ شود، مسلمانی به شهری می رود که مردم آن کافر هستند و اسلام را تبلیغ می کند، خلیفه ای فرستاده ای را به کشور دیگری می فرستد و مسئولیت پذیرفتن آن بر عهده آن ها قرار می گیرد، این همه موارد نشان دهنده آنست که خبر واحد علم قطعی را بیان می کند. امتناع از پذیرش اینکه خبر واحد مستلزم علم در عمل است، ممکن است موجب عدم پذیرش برخی از امور دینی مانند نماز، زکات و حج شود. زیرا جزئیات این عبادات اساسی بر اساس خبر واحد است. بنابراین، خبر واحد مستلزم علم قطعی است.^{۸۵}

پس از آنچه در مورد خبر واحد ذکر شد، همان طوری که در بالا تذکر یافت، باید بجز از خبر واحد شش ماده ای که در آن خبر واحد بیان کننده علم قطعی است، می توان پذیرفت که خبر واحد هم مستلزم علم و هم عمل است. زیرا اکثر عبادات و بسیاری از احکام مربوط به معاملات با خبر واحد ثابت شده است. بهتر است روایات حذف برخی از آیات از قرآن را با تلفیق دیدگاه دو و سوم ارزیابی کنیم. یعنی از آنجایی که قرآن مورد بحث است و خبر واحد و قرآن از نظر علم یکسان نیستند، روایات حذف برخی از آیات قرآن دارای علم قطعی نیست و با خبر

^{۸۱} (ابن حزم، ۱۹۸۳: ۱/۱۰۸-۱۱۳).

^{۸۲} (ابن حزم، ۱۹۸۳: ۱/۱۰۸-۱۱۳).

^{۸۳} (بخاری، زکات، ۱).

^{۸۴} (ابن حزم، ۱۹۸۳: ۱/۱۰۳-۱۰۱).

واحد حذف آیات از قرآن کریم ممکن نیست. ولی در مورد عمل با این روایات، پذیرفتن اینکه خبر واحد، علم قطعی را بیان می کند، مشکلی ندارد. زیرا عمل با این روایات مانعی ندارد.

۲۰۴. دیدگاه‌های برخی از علما

نظر قاضی عیاض (متوفای ۵۴۴/۱۱۴۹) در مورد این روایات چنین است: محال است این روایات از قرآن باشد و ثابت شده که آن از قرآن موجود، نیست. قرائت آن (از قرآن محسوب نموده) و نوشتن آن در مصحف جایز نیست. زیرا قرآن با خبر واحد ثابت نمی شود و چون این روایات خبر واحد است، نمی توان به آنها عمل کرد.^{۸۶} در روایت ده مرتبه شیردهی دو مورد است؛ اول. این متن برگرفته از قرآن است و این حدیث نیز مؤید آن است. دوم اینکه به عدد شیردهی هم عمل شده است. زیرا اگر منکر از قرآن بودن آن شود، اعمال کسانی که به این حدیث عمل می کنند (مانند فتوای امام شافعی با پنج بار مکیدن) بدون دلیل خواهد بود و عمل به آن مانعی ندارد. اگر گفته شود: «خبر واحد از جمله مواردی است که می توان به آن عمل کرد و این حدیث یکی از آنهاست»، ما در جواب می گوئیم: «گرچه برخی تمایل داشتند به آن عمل کنند و برخی آن را دلیل می دیدند، اما حدیث توسط علمای اصول رد شده است. زیرا اگر شک متوجه خبر واحدی شود که به علم ضرر می زند، توقف می شود (قطع می شود، عمل نمی شود). در حالی که این موضوع باید حتماً با تواتر می آمد، اما به عنوان خبر احاد آمده است. مانند سایر امور عملی خبر واحد، نمی توان در این مورد اعتماد کرد. اگرچه گمان برده باشد که از قرآن است و بعداً نسخ شده است، ولی اهل تواتر آن را مناسب ندانسته اند». همچنین می توان به صورت زیر پاسخ داد: این سخن حضرت عایشه رضی الله عنها «رسول الله وفات نمودند و آن از قرآن خوانده می شد» یعنی از قرآن ناسخ، به خبر واحدی که به آن عمل نمی شود حمل می شود. اگر مقصود حضرت عایشه از قرآن ثابت بود، مانند دیگر قسمی از قرآن که در میان صحابه شهرت یافته بود، این نیز شهرت پیدا می کرد»^{۸۷}

دیدگاه قسطلانی (متوفای ۹۲۳/۱۵۱۷) چنین است؛ اصولگرایان در مقایسه آنها با قرآن تردید داشتند. این روایات که به عنوان آیات ذکر شده اند، زیبایی و درخشندگی قرآن را ندارند. با این نظم نازل نشده اند، بلکه باید با آیه ای معجزه آسا مانند آیه قرآن نازل می شدند. اگر گفته شود: «این خبر آیه است، پس نباید موضوع نسخ شود»، می گوئیم: «آنچه در این آیه نسخ شده، واقعه ای نیست که خبر می دهد، موضوع حکم است. یعنی آیا اینها را در نماز می توان خواند، کسی که به آن دست می زند باید وضو بگیرد، آیا جنب می تواند آن را بخواند، آیا باید در بین دو جلد نوشته شود، آیا فراگرفتن آن مثل قرآن فرض کفایه است. آیا تمامی آیاتی که لفظش نسخ شده احکام آن نیز

^{۸۶} (قاضی عیاض، ۱۳۷۷: ۴/۱۳۶)

^{۸۷} (قاضی عیاض، ۱۹۹۸: ۴/۱۳۶).

منسوخ است؟ آیات به هر اندازه هم محافظت شده باشد، اما نسخ شده است. اگر آیه منسوخ حاوی احکام باشد، عمل به آن نیز جایز است»^{۸۸}

قسطلانی نظر اصول گرایان را نپذیرفته و مدعی شده که این روایت همان آیه ای است که متن آن نسخ شده و حکم نیز در آن آمده است. این یک تعبیر اجباری است و دیدگاه صحیح، دیدگاه قسطلانی نیست، بلکه دیدگاه علمای اصول است که او آن را ناقص می داند. زیرا این روایت، خبر واحد است. در مقابل، قرآن با خبر واحد ثابت نمی شود.

«امام نووی (متوفای ۶۷۶/۱۲۷۷) نیز چنین می فرماید: «بعضی از دوستان ما می گفتند که نماز وسط، نماز عصر نیست، زیرا حرف «و» که در روایت «بر نماز عصر توجه کامل داشته باشید» آمده، دلالت بر مغایرت دارد. با اینکه در بعضی از قرائات شاز عصر می شود اما با قرائات شاز نمی توان دلیل آورد. تلاوت های شاذ، خبر واحد است که راوی آن را از قرآن روایت کرده است، در حالی که قرآن متواتر با خبر واحد ثابت نمی شود و اگر این خبر متواتر نباشد، خبر واحد نیز باقی نمی مانده به نظر می رسد این روایت تفسیری از پیامبر ما باشد، اما حضرت عایشه رضی الله عنها گمان می کرد که بخشی از آیه است که متن آن نسخ شده است»^{۸۹}

۵. نتیجه گیری

وقتی علم و مقبولیت روایات دال بر آیات منسوخ ذکر شده در روایات مربوط به نسخ به دقت بررسی شود، می توان تصور کرد که گاه با معضلی مواجه می شویم که می توان آن را بزرگ کرد و اینکه آنها را «آیات منسوخ» نامیدن در پیچه شبهات در مورد قرآن باز می کند، اما می توان آنها را به شیوه ای معقول و منسجم تاویل کرده یعنی لزوماً نیازی به احصای این گونه متون از قرآن نیست. زیرا با مسلم و براهین مستدل ثابت شده است که متن قرآن با تواتر به دست ما رسیده است. در اینجا اختلاف در قرائت و داشتن مصحف مخصوص ابن مسعود، حضرت علی و ابی بن کعب نمی تواند این ویژگی قرآن را تحت الشعاع قرار دهد. ممکن است صحابی در حاشیه مصحفی که سال ها می خواند یادداشت ها، توضیحات و اشاراتی مختص به خودش کرده باشد و این کار شخصی خودش است. نه او و نه هیچ کس دیگری نمی توانند از طرف او مصحف دیگری را ادعا کنند. در این راستا فرقه های اهل سنت (سلفی، ماتریدی، اشعری) و احزاب آنها (حنفیه، مالکی، شافعی، حنبلی، زیدیه)، محدث، صوفیه، معتزله، ظاهری، خوارج، شیعیان معتدل (شیعیان اثنا عشر) موافقت نموده و در یک اجماع عمومی قرار گرفته اند. هیچکس نمی تواند این وحدت مطلق را با استناد به معتبرترین حدیث هم که باشد، خدشه دار کند. توسط خبر واحدی که به درجه متواتر نرسیده و اینجا و آنجا در موردش نقدهای بسیاری صورت گرفته و با پیشکش کردن الفاظ و دیدگاه های غیر علمی که به نفع

^{۸۸} (قسطلانی، ۱۹۰۵: ۴۳/۵).

^{۸۹} (ولوی، ۱۹۹۹: ۶/۲۷۳-۲۷۴).

آن باشد، سعی به بی اعتبار ساختن یک ثابت‌ای که مورد پذیرش اکثریت قاطع مسلمانان قرار گرفته و با شواهد معتبر عقلی و نقلی تقویت شده است، کار یک انسان عاقل نیست. قرآن، قرآن محفوظ است و هیچ عبارت و بیانی از آن حتی با برجسته ترین روایت قابل مقایسه نیست. یک روایت ممکن است در معیارهای خود بسیار قابل قبول و معقول باشد و از سوی راویان معتبر و ثقه نقل شده باشد. اعتبار آن در نزد مسلمانان یک چیز است و مقایسه آن با قرآن بسیار متفاوت است. روایاتی که در این زمینه (آیات با متن منسوخ) در وسط قرار دارد، در قالب خبر واحد به دست ما رسیده است. حتی بالاترین سطح خبر واحد بیانگر اطلاعات حدسی است. با این حال، خبر متواتر، کیفیت اطلاعات قطعی را به همراه دارد. تمام متن قرآن با تواتری که بیانگر علم قطعی بوده ثابت شده است. بنابراین به هیچ وجه صحیح نیست که آیاتی از قرآن را بر اساس خبر واحد حذف شده دانست.

گفتن اینکه برخی از آیات قرآن حذف شده است، از نگاه مسلمانان یک امر ایمانی است. نپذیرفتن روایات خبر واحد اشکال اعتقادی ندارد، زیرا خبر واحد در حوزه اعتقادی دارای ویژگی تعیین کننده نیست. مسائل اعتقادی را نمی توان با خبر واحد مشخص کرد. چون بیانگر ظن استند. به همین دلیل، قابل درک است که کسانی که نتوانستند شبهات خود را در موضوع مورد بحث برطرف کنند، و گفته آن ها که صرفاً این روایات را ویا نسخ را کاملاً قبول ندارند. این گفتمان را نیز می توان ناشی از حساسیتی دانست که از محفوظ بودن قرآن بوجود آمده است. اما این ادعا و گفتمان که ممکن است قرآن تغییر داده شده باشد برای مسلمانان مشکل آفرین است و مشکلات اعتقادی را ایجاد خواهد کرد. به همین دلیل باید بر سخنان و نظرات معتدل و صحیح تکیه کرد نه به هر حرف و نظری در مورد این روایات.

نظر معتدل و صحیح، نظری است که به روایات مرتبط با موضوع باید با دید پرسشگر نگاه کند. بر اساس پذیرش عمومی، امور ایمانی با خبر واحد ثابت نمی شود. ایمان به کتاب ها که یکی از اساسات مهم ایمان را تشکیل می دهد، قرآن یکی از اصول مهم آن ها است. به همین دلیل صحبت از قرآن با روایات غیر ثبوتی، غیرقطعی و طرح نظرات بر اساس آن به هیچ وجه قابل قبول نیست.

منابع

- احمد بن حنبل (۱۴۱۶/۱۹۹۵). المسند. تحقیق شعيب الارنؤوط. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- Akboğa, Mikail. (2019). *Kur'an'da Yer Almadığı İddia Edilen Ayetler Meselesi*. İnönü Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Malatya, Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi
- Altundağ, Mustafa. "Kur'an'da Neshi Kabul Etmeyenlerin Gerekçelerine Tahlili Bir Yaklaşım". *Kur'ân ve Tefsir Araştırmaları- III*. (2002). ss. 421-442.
- Apaydın, Hacı Yunus. (2017). *İslam Hukuk Usûlü*. Kayseri: Kimlik Yayınları.
- بيهقي، ابوبكر احمد بن حسين بن علي. (۲۰۰۳/۱۴۲۴). سنن الكبرى تحقيق محمد عبدالقادر عطا. بيروت: دارالكتب العلمية،
- Bingöl, Abdulkerim. "Neshin Gerçekleşmesinde Etkili Olan Faktörler". (2016). *e-Şarkiyat İlmi Araştırmalar Dergisi*. Cilt:8 Sayı:2 (16) (ss.565-583
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل. (۲۰۰۲/۱۴۲۳). الجامع الصحيح المسند المختصر من حديث رسول الله (ﷺ) و سنته و ایامه. بیروت دار ابن کثیر.
- البستی، ابو حاتم محمد بن حبان بن احمد. (۱۹۹۳/۱۴۱۴). صحيح. تحقيق شعيب شعيب الارنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- Büyük, Enes. "Klasik Dönemde Kur'an'da Neshi Reddeden Bir Müfessir: Safedî'nin Nesh Teorisine Yaklaşımı". *Eskiye* 42 (Eylül 2020), ss. 881-907.
- Çetiner, Bedreddin. "Kur'an'da Nesh Konusuna Değişik Bir Yaklaşım". *Kur'ân ve Tefsir Araştırmaları - III*. (2002). ss. 385-394
- Çiçek, Hacı. (2013). "Şevkani'nin Hayatı ve el-Fevaid Adlı Eserin Metodolojik Özellikleri". *E Şarkiya İlmi Araştırmalar Dergisi* 5/9: 104-126.
- Çiçek, Halil, (1996) *20. Asırda Kur'ân İlimleri Çalışmaları*, İstanbul: Timaş Yayınları.
- الدارمی، ابو محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن فضل. (۲۰۱۳/۱۴۳۴). كتاب مسندى الجامع. تحقيق نبيل بن هاشم بن عبدالله الغمرى. بيروت: دارالبشار الاسلامية.
- Demirci ve diğer., (2010). *Tefsir Tarihi ve Usulü*, İstanbul: AÜY.
- غزالی، ابو حامد محمد بن محمد. (۲۰۱۷). مصطفى، تحقيق يونس آيادين. استانبول: انتشارات كلاسيك.
- Gezgin, Ali Galip. (2001). "Kur'an'da Nesh Problemine Eleştirel Bir Yaklaşım". *İslami Araştırmalar Dergisi*. 14/1. ss. 49-67.
- Gördük, Yunus Emre. "Bakara Sûresi 184. Âyetin Neshi Meselesi ve Şah Veliyyullah ed-Dehlevî'nin Bu Konudaki Sıra Dışı Yorumu". (2019/). *İlter* 51 (Haziran/June). ss. 26-47.

- Hasan, Ahmed. "Nesh Teorisi". *İslami Araştırmalar*. Sayı: 3. Ocak: 1987. Ankara. ss.105-109.
- Hasan, Ahmed. "Nesh Teorisi". *İslami Araştırmalar*. Sayı: 4. Nisan: 1987. Ankara. ss.102-107
- الهروى، ابو عبيد القاسم بن سلام. (بى تا) الناسخ و المنسوخ. محمد بن صالح المديفر رياض: مكتبة الرشد.
- الهروى، ابو عبيد القاسم بن سلام. فضائل القرآن. تحقيق مروان عطيه، محسن حردبه، وفا تقى الدين. دمشق: دار ابن كثير.
- ابن جوزى، جمال الدين ابوالفرس عبدالرحمن بن على بن محمد. (١٤٢٣/٢٠٠٣). نواسخ القرآن، تحقيق محمد اشرف على المليبارى. مدينه: جامعه الاسلاميه.
- ابن ابوحاتم، عبدالرحمن بن محمد الرازى (متوفى ٣٢٧/٩٣٨). تفسير القرآن العظيم. (١٩٩٨). تحقيق اسعد محمد طيب. ٩ جلد. عربستان سعودى: مكتبة نزار.
- تفسير القرآن العظيم. اسعد محمد طيب. ٩ جلد. عربستان سعودى: مكتبة نزار، ١٩٩٨.
- ابن ابوشيبه، ابوبكر عبدالله بن محمد بن ابراهيم. (١٤٢٥/٢٠٠٤). مصنف. محمد بن عبدالله الجمعه، محمد بن ابراهيم الحيدانى. رياض: مكتبة الرشد.
- ابن حزم، ابومحمد على بن احمد بن سعيد. (١٤٠٣/١٩٨٣). الاحكام فى اصول الاحكام. تحقيق احمد محمد شاكر. دارالافاق الجديده.
- قاضى عياض، ابوالفضل عياض بن موسى بن عياض. (١٤١٩/١٩٩٨). كتاب اكمال المعلم بفوائد مسلم. تحقيق يحيى اسماعيل. مصر: دارالوفاء للطباعة و النشر و التوزيع.
- القسطلانى، شهاب الدين احمد بن محمد خطيب. (١٣٢٣/١٩٠٥). إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري وبهامشه صحيح مسلم بشرح النووي. حاشيه، محى الدين يحيى بن شرف النووى. مصر: مطبعة الكبرى الاميريه، الكتان، ميلادى. هجرى، (١٤٣٧/٢٠١٦). مباحث فى علوم القرآن. بيروت: مؤسسة الرسالة ناشرون.
- Kaya, Osman. (2014). Kur'ân'ın Metinleşmesi Bağlamında Nesih Problemi. *Harran Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi* 19/31: 136-183.
- القزوينى، ابو عبدالله محمد بن يزيد. (بى تا) سنن ابن ماجه. رياض: مكتبة نشر و التوزيع.
- Koçyiğit, Talât. "Kitap ve Sünnette Nesh Meselesi". *İlahiyat Fakültesi Dergisi*. (1963). Ankara. ss.93-108.
- Kubat, Mehmet. (2004). "Kelâm İlminin Yeniden İnşasında Hadîs'in Rolü", "*Kelâm İlmi'nin Yeniden İnşasında Geleneğin Yeri*" *Sempozyumu*. Fırat Üniversitesi İlahiyat Fakültesi 13-15 Eylül.
- Kurban, Nur Ahmet. "Tevbe Suresi Beşinci Ayetinin Neshettiği İddia Edilen Ayetlerin Değerlendirilmesi". (2009). *İstanbul Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*. Sayı: 20. ss. 163-203.

- مالک ابن انس. (ج ۱۴۰۵/۱۹۸۴) الموطأ. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- المحاسبی، الحارث. (۱۳۹۱/۱۹۷۱). کتاب فهم القرآن و معانیه. تحقیق حسین کوتای. بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۸.
- مسلم، ابوالحسن مسلم بن حجاج. مسلم القشیری. نیشابوری (۱۴۳۶/۲۰۱۰). صحیح مسلم. تحقیق راعد بن صبری بن ابی علفه. ریاض: دار الحضارة للنشر و التوزیع.
- النسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن علی. (بی تا) سنن النسائی. ریاض: بیت الافکار الدین دولیه.
- النسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن علی (بی تا) السنن الكبرى تحقیق شعيب ارتؤوط، حسن عبدالمنعم شبلی. بیروت: مؤسسة الرسالة،
- النووی، محی الدین ابو زکریا یحیی بن شرف. (بی تا) المنهاج فی شرح صحیحی مسلم بن حجاج بن ی. ی. بیت الافکار الد دولیه.
- النیسابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله الحکیم. (۱۴۲۲/۲۰۰۲). مستدرک. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه،
- Okumuş, Mesut. (2009), *Kur'ân'ın Kronolojik Okunuşu Muhammede İzzet Derveze Örneği*. Araştırma Yayınları.
- Özdeş, Talip. (2001). "Vahiy-Olgü İlişkisi Açısından Nesh'e Getirilen Yorumlara Eleştirel Bir Yaklaşım", *İslami Araştırmalar Dergisi*, 14/1. ss. 39-48.
- الپزدوی، ابوالیسر محمد. (بی تا) اصول الپزدوی. ب. ی. میر محمد کتاب خانه.
- الصنعانی، ابو بکر عبدالرزاق بن همام (۱۳۹۰/۱۹۷۰). مصنف. تحقیق حبيب رحمان الاعظمی. بیروت: مكتبة الاسلامی.
- السجستانی، ابو داوود سليمان بن اشعث الازدی. (۲۰۱۷/۱۴۳۷). سنن ابی داود. بیروت: مؤسسة الرسالة الناشرین.
- السیوطی، ج. (۱۹۸۷). (الاتقان فی علوم القرآن. تحقیق ثاقب بیلدیز، حسین عونى چلیک. استانبول: انتشارات حکمت.
- الطبرانی، ابو قاسم سليمان بن محمد. (۱۴۱۵/۱۹۹۵). معجم الاوسط. تحقیق طارق بن عوض الله، عبدالمحسن بن ابراهيم الحسينى. قاهره: دارالحرمين.
- الطحاوی، ابو جعفر احمد بن محمد بن سلامة. (۱۴۱۵/۱۹۹۴). شرح مشکل الاعصار شعيب الارتؤوط بیروت: مؤسسة الرسالة
- Tay, Hekim. "Kur'an İlimleri Bağlamında Erken Dönemde Nesh Algısı: Hâris el-Muhâsibî Örneği". (2019). *İlted 51* (Haziran).ss. 49-82
- الترمذی، محمد بن عيسى بن سورة (بی تا) سنن ترمذی. تعليق، محمد ناصرالدين الالبانى. ریاض: مكتبة المعارف،

- الولوى، محمد بن على بن آدم بن موسى الأثيوبى. (١٩٩٩/١٤١٩). شرح سنن نسائى. بى جا: دار على برم للنشر والتوزيع
- Yığın, Adem. (2013). *Klasik Fıkıh Usulünde Bilgi Anlayışı*. Doktora Tezi: Marmara Üniversitesi.
- الزركشى، بدرالدين محمد بن عبدالله. (١٩٨٤/١٤٠٤). البرهان فى علوم القرآن. تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم. قاهره: مكتبة الدار للتدريس
- الدهلوى. (١٩٨٠). الفوز الكبير فى اصول التفسير. ترجمه. محمد سوفو اوغلو. استانبول.
- زيد، مصطفى. (١٩٨٧/١٤٠٨). النسخ فى القرآن الكريم دراسة تشريعية تاريخية نقدية. دارالوفاء. منصوره.
- الجبرى، عبدالمتعال محمد. (١٩٨٠). لانسخ فى القرآن الكريم لماذا. قاهره.
- الزرقانى، محمد عبدالعظيم (١٩٤٣). مناهل العرفان. قاهره.